

بررسی نظام اقتصادی و تجاری در دوره قطب شاهیان

اعظم غلامی

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، تهران ایران

مهدی انصاری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، تهران ایران

محبوبه شرفی

دانشیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، تهران ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۲۰۰۸-۲۰۲۱) - سال ۱۶ شماره ۶۱ - صفحه ۲۱۸-۲۳۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۹

چکیده

دولت شیعی قطب شاهی به عنوان یکی از وارثان حکومت بهمنیان در دکن توسط یک ایرانی بنیان نهاده شد. قلمرو این حکومت در یکی از بخش‌های حاصلخیز و بسیار ثروتمند واقع شده بود ثروت خداداد این منطقه تجارت و روابط اقتصادی قطب شاهیان را وارد چرخه جدیدی کرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی توسعه اقتصادی و علل و عوامل رونق تجارت در دوره قطب شاهیان می‌باشد. این تحقیق تاریخی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای گردآوری و بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قلمرو این سلسله که در حاصلخیزترین منطقه‌ی دکن واقع شده، از نظر طبیعی و اقلیمی تنوع فراوان داشته و دارای جنگل‌های انبوه، دشت‌های وسیع و رودخانه‌های پرآب و نیز نواحی کوهستانی است و وجود معادن متعدد به ویژه طلا، آهن، کرم و مس و الماس اهمیت ویژه‌ای به این منطقه داده است. این ظرفیت‌ها انگیزه لازم توسعه اقتصادی قلمرو قطب شاهیان به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: دکن، نظام اقتصادی، قطب شاهیان، تجارت

شبه جزیره دکن با داشتن شرایط اقلیمی و موقعیت اقتصادی مناسب همواره بستری مناسب برای مهاجرت و تجارت بوده است و تجار مهاجر نقش عمده‌ای در مبادلات اقتصادی و گسترش روابط تجاری میان دولت‌ها داشتند. این مهاجرت‌ها پس از تأسیس سلسله‌های مسلمان در دکن بیشتر شد. پس از تأسیس حکومت قطب شاهی در دکن، پادشاهان این سلسله که ثروتمندترین حکومت در منطقه دکن محسوب می‌شدند پس از ایجاد ثبات سیاسی و امنیت، تجارت زمینی و دریایی با همسایگان و دیگر نقاط جهان گسترش دادند که در نتیجه آن صادرات قطب شاهیان، به‌ویژه پارچه‌های ابریشمی و سنگ‌های گران‌قیمت، انجام پذیرفت و گلکنده به عنوان مرکز تجاری قطب شاهیان، روابط تجاری گسترده‌ای با دیگر کشورها برقرار کرد علاوه بر این قطب شاهیان با حمایت از مهاجرین و به ویژه ایرانیان و گماردن آن‌ها در مناصب مهم دولتی فرصت‌های بیشتری را برای فعالیت گروه‌های مختلفی اعم از علما و دانشمندان، شاعران و ادیبان، لشکریان و تجار فراهم کردند. رفت و آمد تجار ایرانی به دکن در سایه حمایت‌های ایرانیان صاحب منصب در دربار قطب شاهی فصل جدیدی از حیات اقتصادی را برای ایرانیان رقم زد و تجار دکنی نیز فرصت ویژه‌ای برای فروش و عرضه کالاهای خود در بازار ایران به دست آوردند. این فعالیت‌ها رونق اقتصادی این خاندان را به دنبال داشت.

در این مقاله بر آن هستیم شرایط اقتصادی دولت قطب شاهی را تبیین نماییم. بر این اساس، علل و عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی اعم از طبیعی و انسانی را تحلیل و بررسی خواهیم کرد. این نکته قابل ذکر است که در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در رابطه با حکومت‌های جنوب هند صورت گرفته و در منابع مختلف از جمله رساله‌ها و مقالات، به مطالبی درباره اوضاع اقتصادی دکن اشاره شده است اما از آنجا که پژوهش جامعی درباره این موضوع یافت نشد پژوهش حاضر از این نظر که به طور ویژه و مستقل به شرایط اقتصادی قطب شاهیان پرداخته است می‌تواند حائز اهمیت باشد.

تأسیس حکومت قطب شاهی

پس از انقراض حکومت بهمنیان در منطقه دکن پنج حکومت محلی، قطب شاهیان در گلکنده^۱، عادل شاهیان در بیجاپور^۲، نظام شاهیان در احمدنگر^۳، عمادشاهیان در برار^۴ و بریدشاهیان در بیدر^۵، دولت‌های مستقلی تشکیل دادند (اسپیر، ۱۳۸۷: ۱۶؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۳۲۳). قطب شاهیان و نظام شاهیان و عادل شاهیان تشیع را مذهب رسمی حکومت خود خواندند و در تاریخ، حکومت‌های شیعه شناخته می‌شوند (صادقی علوی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶).

بنیانگذار سلسله قطب شاهی، «سلطان قلی» بود که در سعدآباد همدان در غرب ایران چشم به دنیا آمد (رای بند، بی تا: ۱۴۰؛ طریحی، ۱۹۸۹: ۷۷).

سلطان قلی به دلیل کشمکش‌های سیاسی میان سران قراقویونلو با آق قویونلو بنا به صلاح‌دید پدرش به همراه عمویش الله قلی با تحفه‌ها و هدایای گرانبها در سال ۸۸۳ ق عازم هند شد (صادقی علوی، ۱۳۸۵: ۵۹-۵۸). پس از مدتی الله قلی به ایران بازگشت و سلطان قلی در دکن ماند (منشی قادر خان، ۱۳۰۶: ۴).

سلطان قلی چون فن حساب و خوشنویسی را خوب می‌دانست و در انجام امور محوله، جانب امامت داری را رعایت می‌کرد، به سرعت مدارج ترقی را طی کرده، نزد درباریان، اعتبار و عزت فراوانی به دست آورد (صادقی علوی، ۱۳۸۸: ۵)؛ و به عنوان قدردانی از طرف پادشاه ملک قطب الملک لقب گرفت. او در جنگ‌های دیگر نیز شجاعت و کفایت از خود نشان داد و به امارت تلنگانه (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۳۶) و گلکنده و ورنگل^۶ منصوب شد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۹۳: ۵۱۵؛ صادقی

۱. «Golconda» قلعه‌ای در شرق دکن مرکزی. گلکنده اولین پایتخت قطب شاهیان بود و به دلیل داشتن استحکامات نظامی فراوان پس از احداث شهر حیدرآباد نیز همواره در مواقع هجوم دشمنان قدرتمند مأمّن پادشاهان قطب شاهی بود.

۲. «Bijapur» شهری در ایالت کرناتک در جنوب هند این شهر پس از تأسیس حکومت عادل شاهیان توسط یوسف عادل شاه تا پایان عمر این حکومت، پایتخت حکومت عادل شاهیان بود.

۳. «Ahmadnagar» پایتخت حکومت نظام شاهیان

۴. «Berar» پایتخت حکومت عماد شاهیان (۹۸۲-۸۹۶ ق) در شمال دکن مرکزی

۵. «Bidar» پایتخت حکومت برید شاهیان

۶. warangal.

علوی، ۱۳۸۵: ۶۱). او تا سال ۹۱۸ ه.ق در این سمت باقی ماند و در این سال رایت پادشاهی برافراشت و سلسله قطب شاهیان^۷ را تأسیس نمود.

سلطانقلی پس از ۳۳ سال حکومت در گلکنده در حالی که بنیان حکومت تازه تأسیس شده قطب شاهیان را تا حدی استوار ساخته بود با توطئه پسرش به قتل رسید.

با به حکومت رسیدن جمشید قطب شاه در سال ۹۵۰ ق دور جدیدی از تحولات حکومت قطب شاهیان آغاز شد (علوی صادقی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). هفت سال از حکومت کوتاه جمشید به جنگ با دیگر حکومت‌های محلی دکن سپری شد (مقیم هروی، بی تا: ۸۱؛ حجتی، ۱۳۸۰: ۸۸۵) و در سال ۹۵۷ ق به علت بیماری سرطان درگذشت (منشی قادر خان، ۱۳۰۶: ۷).

بعد از مرگ جمشید قلی پسر بزرگ او سبханقلی که هنوز به هفت سالگی نرسیده بود به سلطنت رسید. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۱۱؛ منشی قادر خان، ۱۳۰۶: ۸) اما سلطنت او مورد مخالفت عده‌ای از امیران قطب شاهی قرار گرفت و بیش از چند ماه طول نکشید. سرانجام ابراهیم قلی فرزند دیگر سلطانقلی بر تخت سلطنت نشست (SEWELL, ۱۸۸۳: ۲۸).

با به حکومت رسیدن ابراهیم قطب شاه (۹۵۷-۹۸۸ ق) نظام حکومتی قطب شاهیان تثبیت شد. او مدیری توانا بود که در دوره حکومت پدرش، فنون کشورداری را آموخته بود و در اقامت هفت ساله‌اش در ویجانگر (او در دوره حکومت برادرش جمشید، هفت سال در ویجانگر پناهنده بود)، تجربیات فراوانی اندوخته بود (آهنچی و صادقی علوی، ۱۳۸۹: ۱۵).

ابراهیم قلی ۳۱ سال حکومت کرد او در بیش از سه دهه حکومتش به خاطر انصاف و مهارت در اداره امور سلطان نشین شناخته شد و علاوه بر علایق ادبی، هنری و شهری، دارای مدیریت عالی بود (طریحی، ۲۰۰۵ م/ ۱۴۲۶ ق: ۱۷). طباطبا در برهان متأثر ابراهیم قطب شاه را دارای خصائل نیکو و فضیلت‌های انسانی معرفی کرده است (طباطبا، ۱۹۳۶: ۵۲۸).

بعد از ابراهیم قطب شاه محمد قلی که از میان سه پسر او ارشد بود در سن دوازده سالگی به سلطنت رسید (رای بند، بی تا: ۱۴۱). او که به عنوان معروف‌ترین فرمانروای این سلسله شناخته شده از سال ۱۵۸۰ تا ۱۶۱۲ یعنی سی و دو سال حکومت کرد و زمان وی دوره اوج و بالندگی سلسله

^۷ چون لقب «سلطانقلی» قطب الملک بود بعد از اعلام استقلال، قطب شاه نامیده شد لذا سلاطین این سلسله به قطب شاهیان معروف شدند.

قطب شاهیان به شمار می‌رود. از مهم‌ترین اقدامات وی بنای شهر فعلی حیدرآباد در آغاز هزاره دوم هجری در نزدیک قلعه گلکنده بود که اکنون پنجمین شهر مهم و بزرگ هند است (سعید الهی، ۱۳۸۱: ۴۵). هرچند در سال‌های پایانی حکومتش محمد قلی با شورش‌های داخلی روبرو شد (Maryam, ۲۰۱۳: ۱۲۷)؛ اما دوره او را عصر طلایی قطب شاهیان می‌دانند. در این دوره دکن به طور کلی استقلال سیاسی خود را به دست آورد و نظم در سراسر کشور برقرار شد.

بعد از محمد قلی قطب شاه، برادرزاده‌اش سلطان محمد قطب شاه جانشین او شد. سلطان محمد فرزند محمد امین میرزا برادرزاده محمد قلی بود که در کودکی پدر خود را از دست داده بود و چون محمد قلی فاقد فرزند ذکور بود او را به ولیعهدی انتخاب نمود و میر محمد مؤمن استرآبادی را مأمور تربیت او کرد. سلطان محمد برای آبادانی و توسعه شهر حیدرآباد تلاش زیادی کرد و با ساخت ساختمان‌های متعدد بر زیبایی آن افزود. در کنار عمارت داد محل که در دوره پدر او ساخته شده بود عمارتی مشتمل بر چهار طبقه بر اجرای عدل و داد بنا کرد تا صدای دادخواهی مردم بدون واسطه به گوش سلطان برسد (کناریوند، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۵).

بعد از مرگ سلطان محمد در سال ۱۰۳۵ ق فرزندش عبدالله جانشین وی گردید (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۷). او که در دوازده سالگی به سلطنت رسید بیشترین دوره حکومت را در سلسله قطب شاهی داشت در دوره حکومت وی - که آسایش و رفاه مردم معروفیت دارد - قلمرو قطب شاهیان وسعت بیشتری یافت (فلسفی، ۱۳۸۶: پیشگفتار، ۱؛ سعید الهی، ۱۳۸۱: ۴۷)؛ اما با همه این احوال ضعف و زوال دولت قطب شاهی از دوران عبدالله قطب شاه آغاز می‌شود. چرا که دکن عرصه تاخت و تاز گورکانیان هند قرار گرفت و قطب شاهیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. از دوران ۴۸ ساله سلطنت وی، ۳۱ سال آن همزمان با حکومت شاه جهان بود (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۷) و تحت فشارهای شاه جهان عبدالله قطب شاه خراج‌گزار او شد (بختاور خان، ۱۹۷۹: ۴۰۵). عبدالله قطب شاه سرانجام پس از ۴۸ سال سلطنت در سال ۱۰۸۳ ق از دنیا رفت (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

سلطان عبدالله سه دختر داشت و فرزند پسر نداشت به همین دلیل یکی از سه داماد او به نام ابوالحسن تانا‌شا به جانشینی او انتخاب شد (منشی قادر خان، ۱۳۰۶: ۴۵-۴۴). پرداخت خراج منظم به اورنگ زیب به خاطر حفظ پادشاهی از فاجعه بیشتر، دردسر اصلی ابوالحسن بود علاوه بر این

سلسله قطب شاهی در اثر اتحاد با شیواجی^۸ و کمک‌های پی در پی به او هم ثروت و هم اعتبار خود را از دست داد (رضوی، ۱۳۷۶: ۵۲۶-۵۲۴).

اورنگ زیب در سال ۱۰۹۶ ق به بیجاپور حمله کرد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۴۰). سرانجام در سال ۱۶۸۵ ابوالحسن توسط اورنگ زیب شکست خورده و به عنوان زندانی در دولت آباد در محاصره بود و در سال ۱۶۸۸ گلکنده ضمیمه امپراطوری گورکانی شد (۲۸: ۱۸۸۳، SEWELL)^۹.

مروری بر پیشینه تجارت در هند

هند کشوری وسیع و دارای موقعیت اقتصادی گسترده‌ای بوده است به همین دلیل اکثر مهاجرت‌ها به آن کشور در راستای تجارت و بازرگانی بوده است.

هندوستان از عهد بودا تجارت بسیار خوبی با ملل شرق داشته است و مبلغین بودایی در زمان باستان از هندوستان به شرق و غرب عالم مسافرت و تا سواحل رود فرات و شهر بابل و کناره‌های دریای روم و از طرف دیگر تا سواحل چین و ژاپن دامنه تبلیغات آنان گسترده بوده است. علاوه بر رفت و آمدهای مبلغین بودایی، تجارت و مبادله کالا نیز توسط کاروان‌ها و بازرگانان یکی از وسایل ارتباط هند با سایر ملل بوده است (حسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

در دوران باستان قافله‌های بازرگانان کالاهای هندوستان را که عبارت از: ادویه، فولاد، عاج، منسوجات پنبه و ابریشم، جواهر گرانبها، نباتات دارویی و غیره از طریق دریا به بندرهای ایرانی در خلیج فارس فرستاده و از ایران به سواحل مدیترانه صادر می‌کردند و به جای آن مسکوکات طلا از روم به هندوستان می‌آوردند؛ و علاوه بر آن یک رشته تجارت نیز از جنوب هندوستان از طریق دریا به سواحل خلیج فارس و دریای قلمز برقرار بوده و کشتی‌های بزرگی دریاهای شرق و غرب را درمی‌نوردیدند. از محصولات صادراتی ایران به هند پسته قزوین، بادام یزد و کرمان و دیگر نواحی، کشمش اغلب ولایات خصوصاً شیراز و همچنین آلو بوده است. همچنین فروش اسب و قاطر در مبادلات تجاری بین ایران و هند از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. علاوه بر آن نوعی از بادام به نام بادام تلخ نیز از ایران به کشور هندوستان صادر و در قلمرو حکومت گجرات به جای پول

^۸ یکی از دشمنان مغولان

^۹ برای اطلاعات بیشتر درباره سقوط حیدرآباد نک به داستان ترکنازان هند، ص ۳۸۴-۳۷۸

سیاه مبادله می شده است. گلاب و عطرهای ایران یکی از رشته‌های بزرگ تجارت با هندوستان به شمار می رفته است (همان: ۱۷۱).

در سده‌های میانه، به دلیل ناامنی راه‌ها و بدی وسایل ترابری، نهاد و بازرگانی کاروانی، رواج یافت. بیشتر رفت و آمدهای بازرگانی هند به بلخ، خراسان، خوارزم، مارس، ترکیه و مناطق غربی و حتی چین از دو دروازه مهم تجارتي قندهار و کابل انجام می گرفت. بیشتر بازرگانان به عنوان «خراسانی» شناخته می شدند. صادرات هند بیشتر محصولات نخي و ابریشمی عطر، محصولات گوناگونی از عاج، انواع کارهای چوبی، تخت به رنگ‌های گوناگون، کارهای مختلف از مرجان و انواع عقیق سرخ و سلیمانی و دیگر سنگ‌های قیمتی، بالش و لحاف و انواع پارچه‌های پنبه‌دوزی شده، سایبان‌های گوناگون و گرانیقیمت، نقاشی‌های زیبا و غیره بود.

کالاهایی که تا سده‌های دهم و یازدهم میلادی هند به بندر سیراف (بندری نزدیکی کنگان و بوشهر) وارد می شده عبارتند از: صبر زرد، عنبر، کافور، سنگ‌های قیمتی، خیزران، عاج، چوب، صندل، فلفل و گیاهان معطر انواع دارو و ادویه که پس از وارد شدن در بندر ایران نه تنها به نقاط مختلف بلکه به کشورهای دیگر صادر می گردید. هرگز هم مدت‌ها مکان عمده حمل و نقل دریایی بوده است؛ و تا قرن سیزدهم میلادی به صورت شهری در خشکی و در مخرج خلیج فارس به اقیانوس هند قرار داشت. این شهر مرکز اصلی داد و ستد بازرگانی بین هند و ایران و سپس سایر کشورها بود (ارشاد، ۱۳۶۵: ۱۲۲-۱۲۱).

با روی کار آمدن سلسله‌های مسلمان در جنوب هندو با تأسیس سلسله بهمنی مبادلات تجاری میان ایران و این دولت‌ها رو به پیشرفت گذاشت و تعداد زیادی از ایرانیان به فعالیت‌های تجاری در جنوب هند مشغول شدند. محمود گاوآن یکی از این افراد بود که به منظور تجارت به دکن مهاجرت کرد و در آنجا توانست به مناصب مهم در باری دست پیدا کند هرچند که گفته شده او تا پایان عمر از درآمد حاصل از تجارت، روزگار خود را می گذرانید.

کلکنده مرکز الماس دکن

استخراج الماس در هندوستان در سال ۱۷۲۵ و ۱۸۶۶ بسیار پر رونق بود و افراد بسیاری در این زمینه فعالیت می کردند؛ و قدمت تاریخی آن به ۴۰۰۰ سال تخمین زده شده است. در سال ۱۵۱۰

میلاادی بعد از اینکه پرتغالیان، پادشاه بیجاپور را شکست دادند یک مرکز تجاری دائمی در گوا تأسیس نمودند (حسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

منطقه دکن که از حاصلخیزترین قسمت‌های هندوستان محسوب می‌شود (شاملویی، ۱۳۶۳: ۲۶۴) و به ویژه قلمرو حکومت قطب شاهیان در این دوره به داشتن معادن الماس معروف بود (صادقی علوی، ۱۳۹۴: ۹۹).

قلعه و مناطق اطراف آن که با نام گلکنده شناخته می‌شود در تلنگانه، منطقه‌ای در شمال شرقی فلات دکن (هند جنوبی) قرار گرفته است. این منطقه در محدوده آنچه امروزه شمال غربی آندراپرادش در نظر گرفته می‌شود واقع شده است (Weinstein, ۲۰۱۱: ۲۴) و مدت‌ها پایتخت قطب شاهیان بوده است.

در اطراف این منطقه، قبور سلاطین قطب شاهی و قبور بزرگان آن دوره دیده می‌شود. این قبور با آن گنبد‌های عظیم عمامه مانند خود حالت مخصوص به خود داشته از دور مثل قارچ‌های غول پیکری به نظر می‌رسند که دست جادوگری به وجود آورده باشد.

منظره گلکنده روی هم رفته خیلی عجیب و غریب و منحصر به فرد است چیزی که در این محل بیش از هر چیز دیگر شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد روح سلحشوری این قلعه است که همه جای آن را فراگرفته است چندان که گویی حتی مرغان هوا را تهدید می‌کند (مهرین، ۱۳۳۵: ۴۳).

گلکنده منطقه‌ای نسبتاً خشک که تجارت ساحلی و تجارت با جنوب شرقی آسیا از صنایع مهم آن بوده است (Weinstein, ۲۰۱۱: ۲۴)؛ و به عنوان یکی از شهرهای مشهور مشرق زمین وهم چنین از مراکز اصلی تولید و تجارت الماس و سنگ‌های گرانبهای هندوستان به شمار می‌رفته است (حسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۸). قلعه گلکنده در روزگاران قدیم دارای روابط تجاری مستقیم با اروپا و کشورهای اسلامی بود (سعیدالهی، ۱۳۸۱: ۴۴).

صخره‌های دارای ذخایر الماس، زمینه ورود بیگانگان را به این منطقه فراهم کرده است. الماس‌های گلکنده در جهان معروف است (کوشکی، ۱۳۹۱: ۵۸۰) و بهترین الماس‌های هند به عنوان الماس‌های گلکنده شناخته شده‌اند که معروف‌ترین این نوع سنگ‌ها، الماس امید، کوه نور، الماس دریای نور و الماس متعلق به انجمن آفریقای جنوبی هستند (حسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

سیاحان و بازرگانان بسیاری در این دوره از دکن دیدن کردند و اطلاعات گسترده‌ای از اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دکن به دست آوردند.

این سیاحان و بازرگانان اوضاع اقتصادی و ثروت این پادشاهی را مناسب ارزیابی نموده‌اند و معتقدند که این ثروت انگیزه لازم سلاطین را برای حمایت از فرهنگ به وجود آورد. تاورنیه که در سال ۱۶۴۸ از حیدرآباد دیدن کرده است از تاریخ اقتصادی و نهاد محیط زیست آن دوره صحبت کرده است او از معادن الماس گلکنده بازدید داشته و اطلاعات جامعی از تعداد معادن، چگونگی و مراحل و ابزاری که در معدن برای استخراج الماس انجام می‌شود، وضعیت اسکان و حقوق کارگران و نحوه نظارت بر معادن به دست می‌دهد. او در مورد الماس معروف کوه نور و دیگر الماس‌های گرانبه‌ای گلکنده سخن گفته و نکاتی را درباره خرید و فروش الماس توسط خودش بیان کرده است (Tavernir, ۱۸۸۹: ۵۶-۶۷).

او کارگرانی را که در صنعت استخراج و بازسازی سنگ‌های گرانبه‌ها در نزدیکی گلکنده مشغول به کار بودند بالغ بر شصت هزار نفر ذکر می‌کند. قلعه گلکنده در روزگاران قدیم دارای روابط تجاری مستقیم با اروپا و کشورهای اسلامی بود (سعید الهی، ۱۳۸۱: ۴۴).

الماس معروف کوه نور که وزن اصلی آن ۷۵۶ قیراط بود در زمان عبدالله قطب شاه از بزرگترین معدن الماس این سلسله در کولور^۱ در جنوب شرقی نرسیده به بندر Masulipatam یافت شد (Sardar, ۲۰۰۷: ۱۶۲).

برنیه به نقل از تاورنیه به ما می‌گوید که الماس مغول بزرگ توسط میر جمله کشف شد هرچند تاریخ دقیق کشف این گوهر مشخص نیست، اما در حدود سال ۱۶۵۶ یا ۱۶۵۷ این اثر توسط میر جمله، در حالی که هنوز بریده نشده بود، به شاه جهان ارائه شد. اورنگ زیب تاورنیه را برای دیدن جواهراتش دعوت کرد و در میان آن‌ها الماس بزرگی بود که به او اجازه داده شد تا آن را بررسی و وزن کند تاورنیه توضیح داده که تراش الماس توسط یک ونیزی که چندان در کارش ماهر نبوده به این سنگ گرانبه‌ای صدمه وارد کرده است (Brnier, ۱۸۹۱: ۴۷۰).

ژان ته ونو دیگر سیاح و بازرگان فرانسوی در کتاب خود مشاهدات خود را از معادن الماس گلکنده بیان کرده و به فرایند استخراج این ماده معدنی پرداخته است (Thévenot, ۱۶۸۱: ۹۹). او

^۱. Kulur

نوشته معادن اصلی الماس در منطقه کرناته^{۱۱} در مکان‌های مختلف به سمت بیجاپور^{۱۲} قرار گرفته‌اند و قطب شاهیان علاوه بر تجارت دریایی درآمد قابل توجهی از معادن الماس به دست می‌آوردند و می‌نویسد تجارت الماس با آزادی و وفاداری انجام می‌شود، دو درصد از خریدها به پادشاه پرداخت می‌شود و همچنین از بازرگانان برای کسب اجازه کار حق امتیاز دریافت می‌کند. او از الماس بسیار ارزشمندی سخن گفته که در تاج پادشاه با تزیینات خاصی قرار گرفته است و خزانه پادشاه را مملو از جواهرات و الماس‌های گرانبه‌ای ارزیابی کرده است (Ibid: ۱۰۲).

تجارت قطب شاهیان

با ایجاد آرامش سیاسی و نظامی در گستره حکومت قطب شاهیان، دوره‌ای از توسعه اقتصادی و تجاری نیز شکل گرفت. از زمان حکومت ابراهیم قطب شاه و در نتیجه اعمال سیاست‌های قضایی قاطع او در منطقه (علوی صادقی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) تلنگ که جنگلی پر از دزدان و حرامیان بود امنیتی را به وجود آورد که تجار و بازرگانان بدون هیچ دغدغه‌ای در منطقه رفت و آمد می‌کردند (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۰۱: ۱۷۰؛ رای بند، بی‌تا: ۱۳۶).

ابراهیم پس از شکست دادن ویجانگر در سال ۱۵۶۵ م با گسترش قلمرو خود اعتبار فراوانی کسب کرد و از این به بعد بود که گلکنده شاهد ثروت فراوانی شد و بعد از این پیروزی سکه‌هایی به نام خود ضرب کرد و اولین پادشاه از سلسله قطب شاهی بود که این کار را انجام داد (Weinstein, ۲۰۱۱: ۳۱-۳۲).

امنیت نسبی کشور در دوره او به رشد و شکوفایی بازرگانی در تلنگ انجامید. در منابع ذکر شده در روزگار سلطان عادل ابراهیم قطب شاه، تلنگانه مانند مصر بازار عالم بود. تجار ترکستان و عربستان و ایران بدان جا روی می‌آوردند و چنان مساعدت و موافقتی می‌یافتند که دگر بار به بازگشت ترغیب می‌شدند (برزگر و رسولی، ۱۳۸۰: ۶۱).

گفتنی است که تجارت داخلی در دکن عمدتاً در دست هندوها بود که خیلی راحت‌تر با همکیشان خود ارتباط برقرار می‌کردند. آن‌ها واردات را در اختیار گرفته و توزیع می‌کردند و همین‌طور کالاها را برای صادرات آماده می‌کردند. بنادر در این دوره نقش اساسی در تجارت داشت

^{۱۱}. Carnate

^{۱۲}. Vilapour

و تجار ایرانی نیز اغلب از طریق خلیج فارس با دکن فعالیت‌های تجاری خود را انجام می‌دادند. برخی صادرات دکن در این دوره عبارت بود از: فلفل، ادویه، زنجبیل، هل کفش صندل، زعفران، موم، شکر، برنج، نارگیل، سنگ‌های قیمتی، ظروف چینی، پارچه و ... همچنین برخی از واردات آن‌ها نیز عبارت بود از: اسب، مهمات، تفنگ، نمک، کشمش، گوگرد، مروارید و... (صادقی علوی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

این روند هم چنان ادامه داشت و با فروکش کردن جنگ بین سلاطین دکن از اوایل تا اواسط قرن شانزدهم میلادی اقتصاد قطب شاهی با معادن الماس که به یک منبع فزاینده مهم تبدیل می‌شد به رشد خود ادامه می‌داد تأسیس شرکت‌های بازرگانی اروپایی در دکن منبع درآمد پادشاهی دیگری ایجاد کرد. از میان شرکت‌های بازرگانی مختلف «شرکت‌های هند شرقی» مختلف مأمور تجارت با هند و شرق آسیای دور از طرف اروپایی‌ها شد در اوایل قرن هفدهم کشورهای، هلند، انگلیس و پرتغال هر کدام در دکن حضور داشتند. پادشاهی قطب شاهی از دو طریق مالیات اخذ می‌نمود؛ مالیات از تمام صادرات و مالیات از هزینه‌های متفرقه بندر، در همین زمان بود که کالاهای محلی بازارهای جدیدی را در سراسر جنوب شرقی پیدا کردند.

علاوه بر این گلکنده به دو نوع تولید مشهور شد: منسوجات منقوش که از ویژگی‌های منطقه ساحلی شرقی پادشاهی بود (به ویژه در اطراف Srikakulam، Masulipatam و Pulicat)؛ جنگل‌های اطراف بندر ماسولپاتام نیز تأمین کننده رونق تجارت کشتی‌سازی بودند (۱۶۳-۱۶۲: ۲۰۰۷: Sardar). صنایع فولاد «نیرما»^{۱۳} و «ایندور»^{۱۴} که مواد اولیه تیغ‌های دمشق را می‌ساختند و شمشیر و سرنیزه و خنجرهایی که به وفور در محل ساخته می‌شد به تمام نقاط هند صادر می‌گردید؛ فرش بافی «الور»^{۱۵} از دیگر صنایع مشهوری بود که به دست مسلمانان اداره می‌شد همچنین صنایع دستی معروف که آوازه گلکنده را تا اروپا رسانده بود (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

بررسی‌های مختلف در حوزه اقتصادی، جنبه‌های مختلف مانند کارخانجات اروپایی، تجارت، سطح قیمت، ضرب سکه، صنایع، محصولات، تولیدات، محصولات کشاورزی، مالیات، جاده و غیره در دوران قطب شاهی نشان می‌دهد در اوایل قرن هفدهم سلطنت‌های قطب شاهی تقریباً خودکفا

^{۱۳}. Nirma

^{۱۴}. Indur

^{۱۵}. Ellore

نبودند اما قادر به صادرات محصولات مازاد بودند. این نشانگر ثروت سلسله قطب شاهی است که به نوبه خود منجر به توسعه فرهنگی و هنری گلکنده شد.

آبادانی شهرها و ایجاد بازارها، رونق تجاری و بازرگانی، ایجاد مسجد، کاروانسرا، پل‌ها، آبراه‌ها، ابنیه مذهبی و بیمارستان‌ها در این دوران، پر رونق و در اوج خود بود. حیدرآباد برترین مرکز تجارت هند بود. مسجد سلطانی، عزاخانه زهرا، عاشورخانه، مسجد جامع، چهار منار، کاخ‌ها و باغ‌ها، همه از آثار برجسته معماری در این دوران شمرده می‌شود. ثروت فراوان و آرامش سیاسی از دستاوردهای این دوران باشکوه و تمدن باعظمت بود (کوشکی، ۱۳۹۱: ۵۸۳). به نظر می‌رسد همین ثروت فراوان که شامل محصولات کشاورزی، تجارت دریایی و معادن الماس بود شور مغول‌ها را برای تصاحب این سرزمین برانگیخت و حکومت قطب شاهی که در این دوره به رغم ثروت فراوانش به واسطه معادن گسترده طلا و الماس، نیروی نظامی قوی نداشت، به جای مقاومت و دفاع در برابر دشمنان قدرتمند، مجبور به پرداخت باج و خراج از منابع ثروت خود به آن‌ها شد (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۸۱).

نقش ایرانیان در توسعه اقتصادی دکن

ایرانیان مناسبات تجاری پرسابقه‌ای با شبه قاره هند از جمله سواحل غربی دکن داشتند در سده‌های نهم تا یازدهم و پس از تثبیت حکومت‌های محلی شیعه مذهب در دکن، زمینه گسترش فعالیت‌های تجاری بیش از پیش فراهم شد (معصومی و اصغری، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

با تشکیل دولت صفویه در ایران و همزمانی آن با تشکیل حکومت قطب شاهیان در دکن روابط دوستانه‌ای بین دو دولت به وجود آمد این روابط دوستانه معلول سه عامل اصلی بود: ۱. عامل سیاسی: وجود دولت گورکانی به عنوان دشمنی مشترک که از طرفی دولت قطب شاهی را به رسمیت نمی‌شناخت و از طرف دیگر بر سر قندهار با ایران اختلاف داشت (آهنچی و صادقی علوی، ۱۳۸۹: ۱۱).

۲. عامل مذهبی: پس از آن که سلطنت‌نقلی مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود، به عنوان مذهب رسمی اعلام کرد، در ادامه، نام شاه اسماعیل صفوی را نیز، در خطبه بر نام خود، مقدم کرد. هدف او از این اقدام، هم ابراز ارادت خود به ایران و خاندان صفوی بود و هم اینکه در مقابل

گورکانیان اهل سنت، از حمایت دولت شیعی برخوردار شود (رجب نژاد و جان احمدی، ۱۳۹۱: ۱۵).

۳. عامل نژادی و فرهنگی: قرابت قومی و فرهنگی نیز عامل دیگری در تحکیم روابط میان قطب شاهیان و صفویان بود (صادقی علوی، ۱۳۸۵: ۹۵).

صدمات، خسارات و آسیب‌های فراوانی که در اثر حمله مغول و تیمور به ایران وارد شد زوال حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه ایرانی را به همراه داشت، این ویرانی‌ها نه تنها با تشکیل سلسله صفویه ترمیم نشد بلکه با سوء تدبیر حکام صفوی شرایط دشوارتری را رقم زد. در زمینه اقتصادی سیاست‌های نادرستی چون انحصار تجارت، که بسیاری از تجار را از چرخه اقتصادی خارج کرد و افزایش مالیات که نارضایتی و فقر را در جامعه به وجود آورد.

بر اثر همین فشارها بود که تعداد زیادی از مردم به مناطق دیگری مهاجرت کردند و بسیاری از آن‌ها به دلیل شرایط اقتصادی مناسب روانه دکن شدند. شماری از این افراد که آفاقیان نام گرفتند با توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای خود مناصب مهم سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را در اختیار گرفتند و با حمایت آنان مهاجرت به این منطقه سرعت بیشتری گرفت. بخشی از این مهاجرین را تجاری تشکیل می‌دادند که در سرزمین جدید، به حرفه تجارت پرداخته و مسیر تازه‌ای در روابط تجاری دو کشور گشودند. چنانکه با توسعه و تثبیت روابط سیاسی صفویه و قطب شاهیان، مبادلات تجاری میان دو دولت نیز افزایش چشمگیری یافت و همان‌طور که ذکر شد در این دوره علاوه بر تجارت، مهاجرت نیز در بسترسازی این روابط نقش داشت.

موقعیت بانفوذ مهاجرین ایرانی در دکن از عوامل حفظ نفوذ شاه ایران در این منطقه بود (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۸۳). ایرانیان مهاجر به دکن در این دوره از گروه‌های مختلف از جمله بازرگان و تاجر بودند؛ و بیشتر امور تجاری را ایرانیان بر عهده داشتند. این تجار که اکثراً ثروتمند بودند به فعالیت‌های بانکداری هم مشغول بودند، چهار درصد سود می‌گرفتند و از این راه به ثروت فراوانی دست پیدا کردند (صادقی علوی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). لازم به ذکر است که تعداد بازرگانان ایرانی در دکن قابل توجه بوده شاید اکثریت آن‌ها در مقیاس محدودتری به فعالیت‌های بازرگانی اشتغال داشته‌اند.

منابع مختلف از حضور فعال تجار ایرانی در بنادر کامبای و کالیکوت و بنگاله و مالاکا نام برده‌اند. بازرگانان ایرانی در این بنادر از استقلال اقتصادی برخوردار بوده و با استفاده از این قدرت امرای محلی هند را به واگذاری امتیازات ویژه بازرگانی تشویق می‌کردند آنان به تدریج در امور اداری این مناطق صاحب مناصب مهمی شدند و بعضی از آن‌ها در دو بعد سیاسی و اقتصادی فعالیت‌های مؤثری انجام دادند (حسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از مهاجران ایرانی به قدرت و اعتباری که محمد سعید (که از وی با القاب رسمی میرجمله نامبرده می‌شود)^{۱۶} بدان دست یافته بود، نائل نیامدند؛ او که در اردستان در نزدیکی اصفهان به دنیا آمد به عنوان یک تاجر ایرانی به هند رفت (۱۶: ۱۸۹۱، Brnier). هرچند که او از نسب اشرافی برخوردار نبود ولی استعدادهای خاصی برخوردار بود و سربازی ماهر بود و تبحری عجیب در تجارت داشت و تجارت گسترده‌ای را با نقاط مختلف جهان برقرار کرده بود و ثروت عظیمی از تجارت الماس به دست آورده بود (۱۷: Ibid).

این تاجر الماس در گلکنده چنان موقعیت مناسبی به دست آورد که او را ارباب الماس گلکنده نامیدند. میرجمله بدون شک یکی از زرنگ‌ترین مردان این عصر بود. هوش سرشار او در همه عرصه‌های مختلف از قبیل: تجارت، دیپلماسی، مدیریت و جنگ با سهولت یکسانی کار می‌کرد. او ثروتمندترین مرد دکن شد و به مقام وزیر اعظمی گلکنده دست یافته و به منزله قدرتی در پشت تخت سلطنت محسوب می‌شد.

او ارتباط نزدیک خود را با کشورش ایران که در آنجا منافع زیاد و همچنین دوستان و دشمنان متعددی داشت، حفظ کرد. او با شاه عباس دوم و همچنین خلیفه سلطان وزیر وی که به نظر می‌رسید دوستی شخصی با وی داشت در مکاتبه بود. شاه در بعضی مکاتباتش به میرجمله به موقعیت ممتازی که او در دکن به دست آورده بود اشاره داشته است (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۸۳-۱۸۴).

میرمحمد سعید، در مقام یک تاجر باتجربه درآمد بندر را ترقی داد و خود را نیز وارد تجارت خصوصی کرد. کشتی‌های او هم به خلیج فارس و هم به آسیای جنوب شرقی روانه می‌شد. او

^{۱۶}. میرجمله از مقام‌های بسیار قدرتمند در نظام اداری حکومت قطب شاهیان بود که پس از شاه و پیشوا در جایگاه سوم هرم قدرت قرار داشت. همچنین در مواقعی که پیشوا انتخاب نمی‌شد، قدرت وی در اختیار میرجمله بود.

قراردادهایی را با شرکت‌های اروپایی منعقد کرد که طی آن بین منافع دولت، منافع شرکت‌ها و منافع خودش موازنه برقرار کرد. عمال انگلیسی از او وام‌هایی با بهره یک و نیم درصد به مدت چهار یا پنج ماه دریافت می‌کردند (رضوی، ۱۳۷۶: ۵۱۴).

او با پیروزی‌هایی که در نبردهای متعدد به دست آورد سرزمین‌های زیادی را به قلمرو قطب شاهیان افزود که این متصرفات شامل قلعه‌های مستحکم، زمین‌های حاصلخیز و درآمد سالانه ۴/۳۰۰/۰۰۰ روپیه و تعدادی معادن الماس می‌شد.

عبدالله قطب شاه، ضمن انتساب این پیروزی‌ها به تلاش‌های میرجمله خود، درآمد سه روستای کارناتاکا را برای هزینه عباد و زهاد و زائران نجف و کربلا وقف کرده و میرجمله و فرزندان او به عنوان وارثان همیشگی به سرپرستی این اوقاف منصوب شدند.

میرجمله در ایالت «کارناتاکا» منصب «طرفدار» را نیز به دست آورد. علاوه بر سود حاصله از کشاورزی و تجارت آن سوی آب‌ها، به سمت خلیج فارس و کشورهای جنوب شرقی آسیا، درآمد معادن الماس که حدود دوازده تا شصت هزار کارگر مرد و زن و کودک در آن‌ها اشتغال داشتند، بی‌شمار بود.

او در مقام فرماندار کارناتاکا امتیازات شرکت‌های اروپایی را تأیید کرد ولی به آن‌ها اجازه نداد که از محدوده امتیازات پا را فراتر نهند. او تلاش کرد تا شرکت انگلیسی را علیه شرکت هلندی تحریک کند و حتی در انحصاری کردن تجارت پارچه برای خودش درنگ نکرد (همان: ۵۱۶).

سید کمال‌الدین حسین معروف به مصطفی خان اردستانی سید زاده‌ای از اهالی اردستان، در زمان ابراهیم قطب شاه وارد گلکنده شد و مورد توجه قطب شاه قرار گرفت (زبیری، بی‌تا، ۱۳۳) و مقامی پیشوایی یافت (خانزمان خان، ۱۳۳۷: ۱۳) اما با توطئه بدخواهان از مقام خود عزل شد. (زبیری، بی‌تا: ۱۳۴)

او علاوه بر امور سیاسی در زمینه تجارت هم تبحر داشت به گزارش زبیری از دریای گجرات تا دریای بنگاله ۱۸۰ کشتی داشت و با سلطان سلیمان عثمانی، شاه طهماسب صفوی و اکبر شاه گورکانی ارتباط داشت و هر ساله برای آن‌ها هدایای نفیس ارسال می‌کرد و متقابلاً از جانب آن‌ها هدایایی دریافت می‌نمود (همان: ۱۳۶).

روند فزاینده داد و ستدهای بازرگانی ایران و دول شیعی هند، نیز سودآوری بالای آن سبب شد تا بازرگانان و سوداگرانی از اقوام و ملل گوناگون وارد چرخه آن شوند. در این راستا، بازرگانانی از ممالک هند، ایران، عثمانی و دول اروپایی، برآمده از جوامع مسیحی، مسلمان، ارمنی، یهودی و غیره،

وارد فرایند تجاری دو کشور شدند و نقش فعالی را در آن ایفا کردند اما در میان همه این اقوام، بیشترین نقش را بازرگانان ایرانی، به ویژه ارمنیان، تجار هندی (بانیان) و کمپانی‌های هند شرقی اروپایی داشته‌اند (بابایی، ۱۳۹۵: ۶۰-۵۹).

از جمله کالاهای تجاری که در دکن خرید و فروش می‌شد عبارت بود از پارچه‌های ابریشمی، مخمل قطنی، تافته، تیر و کمان و گلیم. به دلیل عدم تربیت اسب در دکن، تجارت اسب یکی از پررونق‌ترین زمینه‌های بازرگانی بود. چنانکه تعداد فراوانی تاجر اسب از سرزمین‌های مختلف برای فروش اسب‌های خود راهی دکن می‌شدند. هدیه دادن چند رأس اسب عراقی و عربی به محمداشاه بهمنی توسط محمود گاوآن و درخواست ارسال چند رأس اسب راهور و چند فیل برای سواری و شکار عبدالله قطب شاه به گلکنده در ایامی که مولانا حسین شیرازی تربیت وی را بر عهده داشته است این مسئله را تصدیق می‌نماید. همچنین زمانی که امام قلی بیگ شیرازی از جانب شاه صفی به عنوان حاجب به دکن آمد پنجاه رأس اسب عراقی برای عبدالله قطب شاه آورد.^{۱۷} علاوه بر وارد کردن اسب، هدایای گرانبهای دیگری مانند خنجر و شمشیر طلا و پارچه‌های گرانبهای که سفر با خود به دکن می‌آوردند در اقتصاد این سرزمین تأثیر داشت (اصغری، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۵۱).

نتیجه‌گیری

سلاطین قطب شاهی پس از تثبیت قدرت خود، توجه ویژه‌ای را به مسائل اقتصادی معطوف کرده و با استفاده از بسترهای مناسب اقتصادی سرزمین زرخیز دکن، تجارت گسترده‌ای را به وجود آوردند. این دولت با در اختیار داشتن ذخایر طبیعی اعم از مواد معدنی و سنگ‌های قیمتی و برخورداری از شرایط اقلیمی مناسب و همچنین با گسترش قلمرو خود و تصرف سرزمین‌های حاصلخیز مجاور موقعیت ویژه -ای را نسبت به دیگر دولت‌های جنوب هند کسب کردند. آن‌ها به عنوان ثروتمندترین و اولین دولت مسلمان دکن به نام خود سکه ضرب کردند؛ و با استفاده از تجارت دریایی که ویژگی سرزمین آنان به شمار می‌رفت روابط اقتصادی خود را با اقصی نقاط جهان گسترش دادند. مرزهای قطب شاهیه به روی تجار و بازرگانان گشوده شد و گلکنده به مرکز مهم تجاری این دولت تبدیل شد و در سال‌های بعد حیدرآباد عنوان مهم‌ترین مرکز تجاری هند را به خود اختصاص داد. در میان کشورهای منطقه ارتباط ایران با حکومت‌های دکن و به ویژه قطب

^{۱۷}. برای اطلاعات بیشتر نک به حدیقه السلاطین، ص ۱۵۸-۱۵۶

شاهیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. مبادلات و پیوندهای اقتصادی - بازرگانی میان ایران و دکن از سابقه‌ای دیرینه برخوردار بود. ایرانیان از طریق بنادر خلیج فارس با بنادر جنوبی هند (دکن) روابط تجاری داشته‌اند. این روابط در تمامی ادوار مختلف ادامه یافته و در دوران اسلامی و بعد از روی کار آمدن صفویه در ایران و شکل‌گیری حکومت‌های شیعی دکن رو به پیشرفت گذاشت. به نظر می‌رسد روابط اقتصادی میان ایران و قطب شاهیه نیز تابع روابط سیاسی بوده است و حکام ایران و دکن به پشتوانه مناسبات سیاسی به تقویت مبادلات تجاری با یکدیگر پرداختند. توسعه و گسترش روابط سیاسی رونق فعالیت‌های اقتصادی بین دو کشور را فراهم کرد. تجار ایرانی و دکنی با استفاده از زمینه‌های مساعد و فرصت‌های به دست آمده توانستند بازارهای امن و دائم برای کالاهای خود بیابند.

منابع

منابع فارسی

۱. آهنچی، آذر، علوی صادقی، محمود، (۱۳۸۹)، «نقش مذهب تشیع در روابط سیاسی قطب شاهیان و صفویان»، مذاهب و عرفان، شیعه‌شناسی، شماره ۲۹، ص ۱۱ و ۱۵.
۲. اسپیر، پرسپوال، (۱۳۸۷)، تاریخ هند ۲، ترجمه همایون صنعتی زاده، جلد دوم، قم، ادیان.
۳. استرآبادی، هندوشاه، (۱۳۰۱ ق)، تاریخ فرشته، جلد دوم، چاپ سنگی، بیجا.
۴. استرآبادی، هندوشاه، (۱۳۹۳)، تاریخ فرشته، تصحیح محمدرضا نصیری، جلد سوم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵. ارشاد، فرهنگ، (۱۳۶۵)، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند قرن ۸ تا ۱۸ میلادی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. اصغری، فاطمه، (۱۳۹۶)، مهاجرت علمای شیعه از ایران به دکن، عوامل و پیامدها از نیمه قرن هشتم تا نیمه قرن دوازدهم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، استاد راهنما محسن معصومی، دانشگاه تهران.
۷. بابایی، جواد، (۱۳۹۵)، مناسبات دولت صفوی و دول شیعی هند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، استاد راهنما محبوبه اسماعیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

۸. بختاور خان، محمد، (۱۹۷۹ م)، مرات العالم، تاریخ اورنگ زیب، جلد اول، تصحیح و حواشی ساجده س علوی، لاهور، اداره تحقیقات پاکستان، چاپ اول.
۹. برزگر کشتلی، حسین، رسولی، اختر، (۱۳۸۰)، ابراهیم قطب شاه، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حجتی، حمیده، (۱۳۸۰)، جمشید قطب شاه، دانشنامه ادب فارسی، جلد ۴، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. حسین زاده، محمدعلی، (۱۳۹۲)، روابط اقتصادی و تجاری ایران با جنوب هند در عصر صفویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، استاد راهنما محمد زمان خدایی، دانشگاه چمران اهواز.
۱۲. خانزمان خان، خواجه غلامحسین خان، (۱۳۷۷)، تاریخ آصفجاهیان (گلزار آصفیه)، به اهتمام محمد مهدی توسلی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.
۱۳. رای بند رابن پسر رای بهار مال، (بی‌تا)، لب التواریخ هند یا تاریخ لب الباب هند، نسخه خطی شماره ۵۳۴۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۱۴. رجب نژاد، محمدرضا، جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «بررسی اسناد تاریخی موقوفات دولت شیعی قطب شاهیان در هند»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و دوم، دفتر دوم.
۱۵. رحمانی، مهدی، (۱۳۹۵)، نقش ایرانیان مهاجر در دولت‌های شیعی هند در قرون ۷-۱۰ هـ ق، استاد راهنما محمدعلی پرغو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه.
۱۶. رضوی، سید اطهر عباس، (۱۳۷۶)، شیعه در هند ۱، جلد اول، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۷. ریاض الاسلام، (۱۳۷۳)، تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۱۸. زبیری، میرزا ابراهیم، (بی‌تا)، تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین، از ابتدای دولت عادل شاهیه تا انقراض دولت موصوف، حیدرآباد دکن.
۱۹. سعید الهی، امیر، (۱۳۸۱)، «روابط قطب شاهیان با هند با پادشاهان صفوی»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۱، ص ۴۴ و ۴۵.
۲۰. شاملویی، حبیب‌الله، (۱۳۶۳)، جغرافیای کامل جهان، انتشارات بنیاد.

۲۱. صادقی علوی، محمود، (۱۳۹۱)، تاریخ اجتماعی شیعیان دکن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری، رساله جهت دریافت درجه دکتری تاریخ اسلام، استاد راهنما آذر آهنچی، دانشگاه تهران.
۲۲. صادقی علوی، محمود، (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت اقتصادی شیعیان دکن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری»، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، ص ۹۹
۲۳. صادقی علوی، محمود، (۱۳۸۵)، «روابط سیاسی قطب شاهیان و صفویان»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۲، ص ۹۵
۲۴. صادقی علوی، محمود، (۱۳۹۳)، «گسترش تشیع در دکن در سده‌های دهم و یازدهم هجری»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۳. ص ۷۵ و ۷۶.
۲۵. صادقی علوی، محمود، (۱۳۸۵)، «تأسیس حکومت شیعی قطب شاهیان در هند»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۵، ص ۵۸ و ۵۹ و ۶۱.
۲۶. صادقی علوی، محمود، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تثبیت حکومت قطب شاهیان»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۰، ص ۵.
۲۷. صادقی علوی، محمود، (۱۳۸۷)، «دوران طلایی قطب شاهیان در دکن»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال نهم، ص ۱۶۴.
۲۸. صاعدی شیرازی، میرزا نظام‌الدین بن عبدالله، (۱۹۶۱ م)، حدیقه السلاطین، چاپ سید علی اصغر بلگرامی، سلسله مطبوعات ادبیات اردو، شعبه مجلس اشاعت تاریخ و تمدن دکن.
۲۹. طباطبای، سید علی، (۱۹۳۶ م)، برهان مآثر، مطبع جامعه دهلی.
۳۰. فدایی اسپهانی، نواب میرزا نصرالله خان، (۱۳۴۱)، داستان ترک‌تازان هند، تهران، چاپخانه محمدعلی فردین.
۳۱. فلسفی، احمد، (۱۳۸۶)، مکاتبات سلطان عبدالله قطب شاه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۲. کناریوند، مریم، (۱۳۹۴)، نقش دیوانسالاران ایرانی در گسترش تشیع در دکن (۱۹۰۸-۷۴۸ ق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات گرایش تاریخ تشیع، استاد راهنما سیاوش یاری، دانشگاه ایلام.

۳۳. کوشکی، فرشته، (۱۳۹۱)، «روایح گلشن قطب شاهی از الفتی یزدی»، پیام بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۵۸۰ و ۵۸۳.
۳۴. مظفر، محمدحسین، (۱۳۶۸)، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. معصومی، محسن، اصغری، فاطمه، (۱۳۹۷)، پیامدهای مهاجرت شیعیان ایرانی به دربار حکومت‌های شیعی دکن (قطب شاهیان، عادل شاهیان، نظام شاهیان)، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال پنجاه و یکم، شماره یکم، ص ۱۰۲.
۳۶. مقیم هروی، خواجه نظام‌الدین احمد بن محمد، (بی‌تا)، طبقات اکبری، جلد سوم، تصحیح و تنقیح بی.دس. آئی. اس و محمد هدایت حسین به اهتمام اشیا تک سوسیتی بنگاله، بی‌جا.
۳۷. منشی قادر خان، (۱۳۰۶)، تاریخ قطب شاهی، به اهتمام سید برهان‌الدین احمد، مطبع برهانیه حیدرآباد دکن، چاپ سنگی.
۳۸. مهرین، مهرداد، (۱۳۳۵) هند اسرارآمیز، شرکت چاپ میهن.
۳۹. هالیستر، جان نورمن، (۱۳۷۳)، تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

منابع عربی

۱. طریحی، محمد سعید، (۱۹۸۹)، المملکه القطب شاهیه فی الهند، الموسم العدد (۱)، السنه (۱).
۲. طریحی، محمد سعید، (۱۴۲۶ هـ/ ۲۰۰۵ م)، تاریخ الشیعه فی الهند ملوک حیدرآباد تاریخ المملکه القطب شاهیه فی الهند، جلد دوم، هولندا.

منابع انگلیسی

۱. Brnier, Francois, (۱۹۸۱), Travels In The Mogul Empir (۱۶۵۶-۱۶۶۸).
۲. Maryam, Fatima. (۲۰۱۳), "Relations of the Sufis with the Rulers of Deccan ۱۴th-۱۷th Centuries." PhD diss., Aligarh Muslim University.
۳. Sardar, Marika, (۲۰۰۷), Golconda through Time: A Mirror of the Evolving Deccan A dissertation submitted in partial fulfillment of the

requirements for the degree of Doctor of Philosophy Institute of Fine Arts New York University.

۴. Sewell, Robert, (۱۸۸۳), Sketch Of The Dynasties. Southern India. Madras: Printed By E. Keys, At The Government Press.

۵. Tavernir, Jean Batise, (۱۸۸۹), Travels In India, Translated By Valentine Ball, vol ۲, new York.

۶. Thévenot, Jean de, (۱۶۸۷), The Travels of Monsieur de Thevenot Into The Levant. In three parts Viz. Into. I. Turkey. II. Persia. III. The East-Indies ۱۶۳۳-۱۶۶۷.

۷. Weinstein, Laura, (۲۰۱۱), Variations on a Persian Theme: Adaptation and Innovation in Early Manuscripts from Golconda. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Graduate School of Arts and Sciences COLUMBIA UNIVERSITY.